گلوب ان میل – مورخ اول نوامبر۲۰۰۷
ترجمه : پیکار پامیر- تورنتو

ورود سیل آسای مهاجرین در قندهار

روز نامه ی انگلیسی زبان (گلوب ان میل) کانادا گزارشی دارد بقلم عمرالاکاد از قندهار که آنرا در شمارۀ اول نوامبر۲۰۰۷ خویش بچاپ رسا نیده است. اینک ترجمۀ دری آن تقدیم میشود : " قندهار، تحت فشار سنگین ورود مهاجرین داخلی قرار گرفته است. مهاجرینی که در اثر ادامۀ جنگها از اطراف به سوی مراکز ولایات جنوبی کشور سرازیرمیشوند.
باساس آماری که ادارۀ جابجاسازی مهاجرین در قندهار به نشر رسا نیده متذکر میشود که ادارۀ مذکور در سال گذشته برای پنجصد و نود خانوادۀ مهاجر که از مناطق جنگزده به مرکز ولایت مذکور پناه آورده اند، مساعدت بعمل آورده است."
ادارۀ مهاجرین گفته است که امسال نیز برای پنجصد خانوادۀ بیجا شده مساعدت نموده و هنوز به تعداد دو هزار و چهار صد خانوادۀ دیگر منتظر دریافت کمک میباشند."
در گزارش آمده است که سید آغا نظری معاون ادارۀ مذکور میگو ید امنیت از میان رفته و اوضاع، بخصوص در همسایه گی های قندهار و هلمند بسوی وخامت میرود، وقتی صد ها نفر ظرف چند روز گذشته کشته شدند، مردم وحشتزده گردیده اند.
گزارش مذکور همچنان می افزاید : "کانادا در ولایت هلمند که مرکز تولید مواد مخدر جهان است ، حضور ندارد ، یعنی در جاییکه عمدتا سر بازان انگلیسی مصروف عملیات اند. فزونی تعداد مهاجرین ، بیانگر وخامت اوضاع در دیگر ولایات بوده و این رخداد ، بالای مناطق تحت کنترول کانادایی ها نیز اثر گذار خواهد بود و موجب ازدیاد مشکلات در قندهار خواهد شد . "
گزارش میگوید : "بقول آقای نظری، ابتدا بخش عظیم این مهاجرین در هلمند، بمقامات ولایتی غرض حصول کمک مراجعه کردند، چونکه مقامات با موجی از مهاجرین دیگر مواجه بودند، بنابران، آنها بسوی قندهار سرازیر شدند. آنان هنوزهم می آیند و ما توان و گنجایش آنرا نداریم تا برای شان رسیده گی نماییم."
در گزارش آمده است که در شهر قندهار کمپ مهاجرین وجود نه دارد و بیجا شده گان به ناچار در منازل خویشاوندان و دوستان شان بسر میبرند. حفیظ، یک دهقان ۵۲ ساله از پنجوایی، در سال ۲۰۰۳ به شهر قندهار فرار نمود تا از آتش جنگها به دور بماند. وی اظهار داشته است که هشتاد فیصد از باشنده های قریه ی شان فرار کرده اند. حفیظ گفته است : "بعضی از فرماندهان طالبان به قریۀ آنها آمدند تا مخفی شوند و نیرو های خارجی به تعقیب شان آمدند تا آنان را بدام اندازند و همین اکنون قریه خالی از سکنه میباشد."
گزارشگر متذکر میشود که تعداد زیادی از مهاجرین در اطراف شهر قندهار همانند حفیظ منتظر روزی هستند تا بخانه های شان بر گردند. حفیظ اظهار نموده است که : " او نمیخواهد در آنجا (در شهر قندهار) زنده گی نماید، قریۀ خودش بسیار زیباست. "او گفته است : "ما در آنجا همه چیز داشتیم ، من در خانۀ خودم مانند یک رئیس جمهور بودم، ولی در اینجا مثل یک برده مباشم ."
گزارش می افزاید که دفتر کمیساری عالی سازمان ملل در همین هفته، مساعدتهای زمستانی اش در نزدیکی های مرز میان افغانستان و پاکستان را پایان داد. معمولا چنین پروگرام ها تا ماه مارچ متوقف میشوند، زیرا عبور و مرور مهاجرین تا پنج ماه دیگر به کندی می گراید. ادارۀ جا بجا سازی مهاجرین قبلا از حکومت ایالتی و موسسات خیریه مانند بانک جهانی غذا، تقاضای کمک بعمل آورده است و البته وخامت بیشتر اوضاع امنیتی بالای فعالیت های موسسات خیریه نیز اثر میگذارد. در سال ۲۰۰۶ پنج بار بالای لاری های حامل مواد امدادی بانک جهانی غذا حمله صورت گرفت و چنین حملات در ده ماه اول امسال تا سی مرتبه تکرار شد.
آقای نظری معاون ادارۀ مهاجرین وسواس خودش مبنی بر افزایش وخامت اوضاع مهاجرین قبل از ختم امسال در قندهار را اظهار داشته است. زیرا ورود مهاجرین از ارغنداب، واقع در شمال قندهار آغاز شده و ترس ازآن میرود که ادامه ی جنگ ها، ورود مهاجرین را ازدیاد بخشد. گزارش در اخیر می افزاید که افغانستان دارای بیشترین مهاجر در سطح جهان میباشد که بیشترین آنها در قلمرو دو کشور همسایه ایران و پاکستان بسر میبرند.

ماهیت کنفرانس بن و پیامد های آن

دقیقا ماه دسامبر ۲۰۰۱ میلادی بود که مقامات ایالات متحدۀ امریکا پس از سر کوبی طالبان در افغانستان، طرح تدویر کنفرانس بین الافغانی را پیش کشید که این کنفرانس بالاخره در شهر بن آلمان دایر هم شد. ولی به نظر تعداد

زیادی از دانشمندان و سیاسیون افغانستان، این کنفرانس بر پایهٔ اصل معیار های افغانی و تدارکات لازم فکری، منطقی، عادلانه و دوراندیشانه استوار نبود. ناظران سیاسی همچنان میگویند، بزرگترین عیب کار کنفرانس این بود که صرفا نماینده گان چند جناح خاص جنگی از داخل و جناح محمد ظاهر شاه از خارج دران حضور یافتند و بس و موضوعا ت مورد بحث این کنفرانس را علاوه از ساختار دولت آینده و نهاد های مربوط بدان، تقسیم قدرت دولتی باساس سهمیهٔ تنظیمی و جناحی و چانه زنی های قومی و زبانی و حزبی، آنهم در عقب در های بسته تشکیل میداد که به هیچوجه با منافع ملی و توقعات اکثریت مردم افغانستان تطابق نداشت.

اگر از چگونه گی روند رای گیری و گزینش رئیس دولت موقت در این کنفرانس بگذریم که همه ازآن مطلع اند، فیصله های این کنفرانس متاسفانه نتوانست در بر گیرندهٔ ابعاد مسایل و مشاکل مالی و سیاسی و اجتماعی مردم افغانستان باشد. مثلا، ماهیت سیاسی دولت آینده، تعیین معیار های لازم و ضروری برای ترکیب پارلمان، توجه مسؤولانه به ارکان متشکله ی دولت، تعیین سرنوشت جنایتکاران جنگی در سه دهه ی گذشته، تعیین جایگاه روشنفکران آگاه و وطنپرست افغانستان در امور ملی وکشوری، تعیین و تضمین یک دیموکراسی سالم در چهار چوب نظام سیاسی آینده، تآمین عدالت اجتماعی، زدودن فقر و بیچاره گی عمومی و کوتاه کردن دست قاتلان و جنایتکاران از سر نوشت مردم افغانستان و امثالهم در چنین یک کنفرانس، نه مطرح گردید و نه جدی گرفته شد.

ناظران سیاسی و تحلیلگران اوضاع افغانستان اظهار میدارند که بزرگترین ضربه یی که فیصله های کنفرانس بن بر ذهنیت ها و انتظارات مردم افغانستان وارد آورد، عبارت بود از تقویت، حمایت و حاکمیت مجدد عده یی از افراد و گروه های جنگی و خرابکار پس از سقوط اداره ی طالبان درمرحلهٔ جدید حیات سیاسی مردم افغانستان. در حالیکه از نظر اکثریت محروم و مظلوم مردم افغانستان، نه تنها گروه های جنگی و تنظیمی باید به سرعت منحل و خلع سلاح میشدند، بلکه رهبران و مسؤولان آن جوابگوی اعمال و کردار گذشتهٔ خویش در پیشگاه محکمهٔ عادلانهٔ ملت افغانستان می بودند.

تحلیلگران همچنان میگویند که چون در کنفرانس بن به سر پرستی و نظارت ایالات متحده، پایه های دولت و نهاد های متعلقهٔ آن بر بنیاد قومی و تنظیمی نه بر اساس معیار های شناخته شدهٔ مردمی و عدالت اجتماعی تعیین گردید، بنابرآن، ظرف شش سا ل گذشته هرچند فیصله های عمدهٔ کنفرانس مذکور عملی شدند، اما مسیر دیموکراسی و رفتن بسوی تآمین عدالت و آزاد ی واقعی پیموده نشد و اوضاع روز تا روز بسوی یأس و نومیدی و نا رضایتی میلان یافت.

تحلیلگران میگویند هرچند کار هایی ظرف شش سال گذشته صورت گرفت، ولی چون شش سال در عصر ماشینی و پیشرفت های شتابندهٔ جهان کنونی بخاطر تأمین امنیت و بازسازی یک کشور کوچک، آنهم در پناه ملیارد ها دالر و حضور حدود چهل کشور غنی با مدرن ترین ساز وبرگ جنگی و تخنیکی عصر، زمان اندکی نبوده و نیست. یعنی هرگاه قضاوت بهمین تناسب صورت بگیرد، کار های که باید انجام داده میشد، متاسفانه نشد. و بنابران، نتیجهٔ که بصورت فشرده بدست می آید، بقول اکثریت تحلیلگران و کار شناسان سیاسی، علمی و اقتصادی افغانستان و جهان، فیصله های کنفرانس بن عجولانه، ناقص و غیر مستقلانه بوده و پیامد های آن نیز ناقص و نا موفق از آب در آمده است .

خشت اول گر نهد معمار کج تا ثریـــــا می رود دیوار کج

شاد باشید